

نقش انجمنها در انقلاب مشروطیت

دکتر فاروق خارابی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

چکیده

پس از اعلان مشروطیت ابتدا در شهر تبریز و سپس در اغلب شهرها (و نیز پاره‌ای از مناطق روستایی) انجمنهایی به نام انجمنهای رسمی و غیررسمی (آزاد) تأسیس شد. انجمنهای مزبور با اقبال بی‌سابقه مردم مواجه شده و در حوادث و جریانات دو سال نخستین عصر مشروطه نقش چشمگیری در حیات سیاسی و اجتماعی کشور ایفا کرد. مردم ایران که تا قبل از اعلان مشروطه فاقد حقوق سیاسی و اجتماعی بودند و رعایای سلطان مستبد بشمار می‌رفتند، با فعالیت در چهارچوب انجمنها و در حول و حوش آنها نخستین تجربه‌های خود را در زمینه مشارکت سیاسی و فعالیت سازمان یافته دست‌جمعی کسب کردند.

واژگان کلیدی: انجمن، انقلاب مشروطه، انجمن رسمی، انجمن ایالتی و ولایتی، انجمن غیررسمی (آزاد).

انقلاب مشروطیت ایران همانند سایر انقلابات بزرگ معاصر سبب ایجاد مجموعه‌ای از نهادها و ارگانهای دموکراتیک و انقلابی مانند قانون اساسی، مجلس شورا، مطبوعات آزاد و انجمنها شد که بی تردید باید آنها را مهمترین دستاوردهای این تحول بزرگ سیاسی و اجتماعی بدانیم.

روزنامه جبل المتنین تهران به مناسبت نخستین سالگرد اعلان مشروطیت، در سرمقالهٔ خود، تحت عنوان «جشن ملی» فهرستی از دستاوردهای مزبور به دست می‌دهد: «تشکیل مجلس شورای ملی و تعیین وکلا و مبعوثان ملت.... موقوف شدن پیشکشی حکام ولایات، آزادی زبان و قلم، ازدیاد جراید و نوشتمن مقالات سخت بدون هیچ پروا و ترس به قسمی که در آزادترین ممالک فرنگ معمول است، تشکیل انجمن‌های عمومی و خصوصی، سری و علنی، کثرت وجود ناطقین که به قوت بیان، ملت را به مصالح و مفاسد آگاه می‌سازند و نطق‌های مؤثر در کمال حریت و آزادی...» (جبل المتنین ش ۷۵، ۱۹۰۷).

در این زمینه انجمنهای صدر مشروطیت نه تنها یکی از اصلی‌ترین و بدیع‌ترین پدیده‌های این دورهٔ پرحداده از تاریخ ایران، بلکه نشان‌دهندهٔ گستردگی ابعاد جنبش ضداستبدادی، آزادی خواهانه و انقلابی مردمی هستند که پس از گذراندن چند هزار سال در کابوس استبداد کهنسال ایرانی برای نخستین بار به صحنهٔ مبارزات فعال سیاسی و اجتماعی کشانیده شده‌اند و به صورتی مستقیم و بلاواسطه تمایل آشکاری به مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی کشور از خود نشان می‌دهند.

طیع انجمنها همزمان با مرحلهٔ آغازین گسترش نهضت ضداستبدادی و نخستین عقب‌نشینی دربار قاجار، یعنی صدور فرمان مشروطیت و شکست آنها در جریان کودتای ضدانقلابی محمدعلی شاه در تابستان ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) را می‌توان به تعبیری به منزلهٔ نقطه عطفی در جنبش انقلابی مشروطیت و سرآغاز افول آن دانست.

به فاصلهٔ کوتاهی پس از تشکیل نخستین انجمن در شهر تبریز، مردم سایر شهرها نیز بدان تأسی جستند و شمار فراوانی انجمن در سرتاسر ایران تأسیس گردید و به زودی انجمنها به پدیده رایج در زندگی شهری ایران تبدیل شد. موضوع تأسیس انجمنها به شهرها محدود نماند و در برخی از قصبه‌ها و روستاهای آذربایجان و گیلان نیز انجمن‌هایی تشکیل شد.

به نوشتهٔ روزنامهٔ جبل المتنین تهران (شماره ۲۲۲ مورخ ۴ فوریه ۱۹۰۸) در سراسر ایران و نقاطی که ایرانیان در آن به سر می‌بردند، بیش از هزار انجمن تأسیس شد. انجمنها علی‌رغم اهمیت‌شان، پس از گذشت قریب به یک قرن هنوز به طور جدی بررسی

و تحقیق نشده‌اند.

محققان و مورخان انقلاب مشروطیت نیز در آثار خود کمتر به انجمنها پرداخته و یا به عبارت دیگر آن را به مثابهٔ پدیده‌ای جنبی بررسی کرده‌اند. اغلب، اظهارنظرها در این زمینه متاثر از شکست نهضت آزادی خواهی ایران بوده و پاره‌ای از نویسنده‌گان انجمنها و افراطی اعضای آنها را عاملی مؤثر در شکست جنبش مشروطیت قلمداد کرده‌اند.

به هر حال بررسی مستند انجمنها با اتکا به اسناد و مدارک اصیل ضروری است. چنین

پژوهشی می‌تواند زوایای تاریک بسیاری را روشن و ابهامات موجود را برطرف کند.*

پیدایش خودجوش (و بدون نقشه و برنامه) انجمنها و اقبال بی‌سابقهٔ مردم ایران به آنها شاهدی انکارناپذیر از عزم آنها به دخالت در سرنوشت خود و مشارکت در امر ادارهٔ کشور است. در شرایط فقدان هرگونه سنت دموکراسی و نبود احزاب و جماعتیهای سیاسی و سازمانهای صنفی و گروهی، انجمنها در واقع بلاواسطه‌ترین و ساده‌ترین اشكال محافل و مجتمعی بودند که افراد می‌توانستند در آن به بحث و گفتگو و تبادل نظر پیرامون مسائل جامعه پردازند و به صورت سازمان یافته در تعیین سرنوشت سیاسی کشور فعالانه مداخله کنند.

انجمنهای صدر مشروطه، اعم از انجمنهای رسمی (انجمنهای ایالتی و ولایتی) و انجمنهای غیررسمی، عملأً به حیطه‌ای برای پرورش سیاسی تبدیل شدند و از این لحاظ نقش ارزنده‌ای را ایفا کردند. از این رو می‌توان انجمنهای صدر مشروطیت را مکتبی برای تربیت کادرهای سیاسی و پیش درآمد احزاب و جماعتیهای سیاسی بعدی تلقی کرد.

چگونگی پیدایش انجمنهای عصر مشروطیت

پس از آنکه مظفرالدین شاه در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هـ-ق. فرمان مشروطیت را صادر کرد. وليعهد او، محمدعلی میرزا که طبق سنت رایج عصر قاجارها مقام فرمانفرمايی آذربایجان، يعني مهمترین ایالت ایران را داشت، همانند سایر حکام در بادی امر از انتشار فرمان مشروطیت جلوگیری کرد. گروههایی از مردم که به صورت غیرمستقیم از حوادث تهران اطلاع پیدا کرده بودند در کنسولگری انگلیس در تبریز و در مسجد مجاور آن متحصن شدند و دامنه اعتراضها بالا

* در این بررسی فعالیت انجمنها صرفاً تاکودتای محمد علیشاه در ژوئن ۱۹۰۸ مورد نظر بوده است. پس از پیروزی مشروطه خواهان در تابستان ۱۹۰۹ انجمنهای سیاسی جای خود را به احزاب سیاسی دادند، و پاره‌ای انجمنهای ایالتی و ولایتی که مجدداً تشکیل شدند از حيث نفوذ و کارآیی قابل مقایسه با انجمنهای پیشین نبودند.

گرفت و سرانجام کار به تعطیل عمومی کشید. خطیبان و سخنرانان ده روز تمام به افسای حکومت استبدادی و مفاسد آن پرداختند و سعی کردند مردم را با حقوق خود آشنا سازند. ولیعهد که خود را قادر به مقابله با مردم نمی‌دید ناچار تسلیم شد و شاه با ارسال تلگرامی مفاد فرمان مشروطه و اجرای آن را در آذربایجان تأیید کرد.

به فاصله کوتاهی پس از صدور فرمان مزبور، انجمن نظارت متشکل از نمایندگان «طبقات شش‌گانه» جهت برگزاری انتخابات تشکیل گردید.

انجمن نظارت مزبور از بدو تشکیل به کانونی برای گردآمدن آزادی خواهان و مخالفان حکومت استبدادی تبدیل شد و به زودی به صورت مرجع تظلمات اهالی درآمد. پس از پایان کار انتخابات، محمدعلی میرزا دستور انحلال آن را صادر کرد و لیکن مردم تبریز که در وجود انجمن ملجم و مرکزی جهت نیل به خواسته‌های خود یافته بودند، در مقابل دستور انحلال آن مقاومت کردند و به زودی شورش عمومی همه شهر را فراگرفت. ولیعهد که با مقاومت سرسرخانه اهالی رو به رو بود و نیروهای نظامی قابل اعتمادی در اختیار نداشت، ناچار به عقب‌نشینی گردید و فرمانی به شرح زیر صادر کرد:

«انجمن ملی تبریز کمافی سابق برقرار بوده و یک نفر مأمور به تصدیق اجزاء انجمن از جانب حضرت اقدس معین و در انجمن حاضر خواهد شد که اعضاء انجمن در امورات جزیی و کلی هرچه حکم نموده‌اند به موقع اجراء گذارده و کارگزاران حضرت والا را در اجراء تمام احکامات انجمن ملی تقویت خواهند نمود» (کسری، ۱۳۴۰، ص ۱۷۵).

بدین ترتیب «انجمن» رسمیت یافت و موجودیت آن عملاً ثبیت گردید.

مورد تبریز به زودی در سرتاسر کشور به صورت سرمشق درآمد و در تمامی شهرهای بزرگ و پاره‌ای از شهرهای کوچک انجمنها یی تأسیس گردید. در دو ایالت آذربایجان و گیلان، در برخی از مناطق روستایی، نیز انجمنها یی پدید آمدند (افشار، ۱۳۴۹، صص ۳۴۰ - ۳۳۹).

با توجه به این واقعیت که تشکیل انجمنها در نواحی روستایی به مناطق معینی از کشور محدود بود باید نوشته مجdalislam کرمانی، یکی از منتقدان انجمنها، را در مورد اینکه «ایجاد انجمنها به تمام دهات هم سرایت کرده و در هر قریه که صد خانوار جمعیت داشت دو سه انجمن تشکیل شد» به دیده تردید نگریست (مجdalislam کرمانی، ۱۳۵۱، ص ۵۲).

أنواع انجمن

در تقسیم‌بندی عمومی می‌توان انجمنهای صدر مشروطیت را به دو نوع انجمنهای رسمی و انجمنهای غیررسمی طبقه‌بندی کرد.

الف. انجمنهای رسمی

انجمنهای رسمی به انجمنهایی اطلاق می‌شود که عهده‌دار وظیفه نمایندگی اهالی منطقه‌ای از کشور و یا شهر معینی بوده‌اند:

۱. انجمنهای ایالتی

۲. انجمنهای ولایتی

۲-۱. انجمنهای ولایات مجزا

۲-۲. انجمنهای ولایات جزء ایالت

۳. انجمنهای قصبات، بلوکات و دهات

۴. انجمنهای بلدی (انجمن شهر)

ب. انجمنهای غیررسمی

۱. انجمنهای سیاسی

۱-۱. انجمنهای صرفاً سیاسی (انجمن مظفری، سواد اعظم، انجمن گلستان، انجمن حقوق، انجمن حقیقت، انجمن مجاهدین رشت و بندرانزلی و قزوین...)

۱-۲. انجمنهای سیاسی با منشأ ولایتی (انجمن اتحادیه آذربایجان، انجمن همدانیها، انجمن کرمان، انجمن محال ثلاثة، انجمن خراسانیها، انجمن جنوب، انجمن اتحادیه لاریجان، انجمن اتحادیه ارومی، انجمن طبرستان...)

۱-۳. انجمنهای سیاسی اهالی یک محله یا منطقه شهری.

(انجمن برادران دروازه قزوین، انجمن شاه‌آباد، انجمن افتخاریه کوچه غریبان، انجمن برادران دروازه دولت، انجمن امامزاده صالح، انجمن اتفاق حسن‌آباد، انجمن قدسیه چاله میدان، انجمن شرافت سرچشم، انجمن اتحادیه مسجد جامع، انجمن افتخاریه قنات‌آباد و...)

۱-۴. انجمنهای سیاسی با نام و عنوان مذهبی

انجمن انصار، انجمن اسلامیه (تبریز) انجمن اخوت اسلامیه، انجمن حسینی، انجمن سادات‌الحسینی، انجمن آل محمد، انجمن اثنی عشری، انجمن اتحادیه حسینی، انجمن مهدیه،

انجمن انصار حسینی و...)

۲. انجمنهای صنفی - سیاسی

انجمن طلاب، انجمن محصلین، انجمن کفashخانه، انجمن مستوفیان، انجمن اتحادیه لشکرنویسان، انجمن تجار، انجمن اتحادیه تلگراف، انجمن اداره گمرک، انجمن معمارخانه، انجمن اصناف، انجمن متحده صرافان، انجمن خیاطان، انجمن نجارها، انجمن زرگرها، انجمن کلانمی‌ها، انجمن کوزه‌گرها، انجمن کلوب نظامی و...)

۳. انجمن اقلیتهای فرهنگی و معنوی

(انجمن زرتشیان، انجمن اتحادیه ارامنه تبعه ایران، انجمن بنی اسرائیل، انجمن امداد ارامنه...)

۴. انجمنهای فرهنگی و معنوی

(انجمن فرهنگ، انجمن اخوت، انجمن صوفیان، انجمن درویشان و...)

۵. انجمنهای زنان

(انجمن نسوان منعقده در خانه ناظم دربار در محله سنگلج و انجمن زنان تبریز)

۶. انجمنهای بردگان

(انجمن سیاهان (تهران)، انجمن غلامان آزاد جیرفت.*)

دو نکته را در اینجا باید متذکر شد اولاً برخی از انجمنها را به دشواری می‌توان در تقسیم‌بندی مزبور جای داد، ثانیاً کلیه انجمنهای ذکر شده در زمرة انجمنهای مشروطه خواه محسوب نمی‌شدند بلکه برخی از آنها جایگاه فعالیت هاداران شاه و مخالفان مشروطه بودند
(انجمن فتوت، انجمن آل محمد، انجمن اسلامیه...)

انجمنهای رسمی

چنانکه اشاره شد پس از تثبیت انجمن ایالتی در سایر شهرهای بزرگ (مراکز ایالات و ولایات) مانند اصفهان، مشهد، رشت، کرمان، در دیگر شهرها نیز انجمنها تشکیل شد.

* در مود نام انجمنها ن. ک. به: سیدمهدي موسوي ۱۳۶۷، ۶۴۳-۶۴۴ و اسماعيل رائين ۱۳۵۵، صص ۱۵۷-۱۶۰؛ محمد اسماعيل رضوانی، اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار در: بررسیهای تاریخی، خرداد-تیر ۱۳۴۹، صص ۲۹۲-۲۵۲؛ جل المتبين، ش ۱۳۲، ۱۹۰۷، ۱۵۱ و نيز در بسياري از شماره‌های دیگر آن و انجمن ش ۱۳۶، ۱۰، ۱۰ شعبان ۱۳۲۵.

تأسیس انجمنهای رسمی در نقاط مختلف در بادی امر با مقاومت حکام مواجه می‌گردید.*

در مرحله آغازین، اغلب انجمنهای ایالتی و ولایتی همان انجمنهای نظارت بر انتخابات بودند که با نام جدید به فعالیت خود ادامه می‌دادند و به تعبیری می‌توان آنها را منتخب گروههایی از مردم دانست. به طوری که اشاره شد تشکیل انجمنها به مراکز ایالات و ولایات محدود نماند و دو استان شمالی در شهرهای کوچک و در قصبه‌ها و روستاهای نیز انجمنهایی دایر شد.**

انجمنهای مزبور در شرایطی که رعایا ناراضی بودند، موجبات بروز اعتراضهای دهقانی را فراهم آورد. مشروطه خواهان تندره در تشکیل انجمنهای مزبور و حمایت از دهقانان و خواسته‌های آنان نقش فعالی ایفا کردند.***

به هر حال در بسیاری از نقاط در دو استان مزبور، روستاییان از پرداخت عوارض جانبی تحمیلی و حتی بهره مالکانه خودداری ورزیده و عمال اربابان زمیندار را از روستا به بیرون راندند. در تعاقب، انجمن ایالتی تبریز طی مصوبه‌ای کلیه عوارض جانبی روستاییان را لغو کرد. انجمنهای ایالتی و ولایتی خود را نماینده مجلس شورای شورای ملی می‌دانستند و تا اندازه‌ای حقانیت خود را از این منشأ کسب می‌کردند. آنها در عین حال در صدد ثبت موجودیت خود به عنوان نهادی قانونی بودند. مجلس شورای شورای ملی نیز که با اصل وجود انجمنها موافق بود به منظور ثبت موقعيت انجمنهای رسمی، مشخص کردن حدود و ظایف و اختیارات و اعمال نوعی کنترل بر آنها، در ۱۴ آوریل ۱۹۰۷ قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی را تصویب نمود (مذاکرات

*. صور اسرافیل، ش ۱۶، ۱۷ شوال ۱۳۲۵ و ش ۲۷، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۲۶، روزنامه حبل المتنین ش ۴۶ سال اول، ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷ در مقاله‌ای تحت عنوان «واقع ماکو» می‌نویسد:

«اقبال‌السلطنه ماکوئی از اول با مجلس و انجمن مخالفت و ضدیت نمود، قدغن اکید کرده بود احدی در حدود ماکو اسم مشروطیت و انجمن را بر زبان جاری نسازد»؛ حبل المتنین ش ۲۵، ۲۵ مه، ۱۹۰۷ و ش ۹۱، ۱۵ اوت ۱۹۰۷. همچنین ن. ک، کسری ۱۳۴۰، صص ۲۰۴-۲۰۳ از نویسنده‌گان ۱۳۷۸، ص ۱۶).

**. انجمن، ش ۱۸، ۷۲ ربیع الاول ۱۳۲۵، همچنین ن. ک. روزنامه خیرالکلام ش ۱، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۵ و ش ۲، ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۵ و ش ۳، ۲ ربیع الاول ۱۳۲۵ و ش ۵، ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵.

***. سیدحسن تقی‌زاده، نماینده تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی در این باره می‌گوید: «میرزا جواد ناطق با سخنوری شورانگیزی همه جا رعیت را برصد ملاکین ارباب‌ها شورانیده و گفت شماها غلام ملاکین نیستید و نباید چیزی به آنها بدهید. زمین مال خود رعیت است به واسطه این فقره علم تازه برآفرشته و تمام رعایا را با خود همراه ساخت. میرزا جواد همه این رعایا را برصد خوانین خود... شورانیده هزارها ده هزار مردم را با خود برانگیخته و کار را به جایی برسانید که خوانین... به خاک روسیه فرار کردند.» (افشار ۱۳۵۶،

مجلس، ۱۳۲۵، صص ۱۳۷ - ۱۳۳).

قانون مزبور مرتبط با تقسیم‌بندی منطقه‌ای کشور، دو نوع انجمن ایالتی و ولایتی را پیش‌بینی کرده بود. ایالت و ولایت به طور مجزا تعریف شده بود (فصل اول ماده ۱ و فصل ۴، ۱۱۵). «داشتن ملک یا خانه در آن ایالت و یا دادن مالیات مستقیم» برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به عنوان شرط ذکر شده بود (فصل اول ماده ۶). زنان نیز در شمار مرتکبین جنحه و جنایت و ورشکستگان به تقصیر و اشخاص معروف به فساد عقیده و افراد خارج از رشد به طور وضوح از شرکت در انتخابات محروم شدند (فصل اول ماده ۷).

علاوه انتخاب‌شوندگان می‌باشد دارای سواد کامل فارسی و حداقل سی سال سن باشند. بدین ترتیب بی‌چیزان و زنان از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم شده بودند.

انجمنهای ایالتی و ولایتی حق انشای قانون را دارانبودند و در امور سیاسی نیز حق مذاکره نداشتند. در توضیح امور سیاسی تصریح شده بود که «امور سیاسی عبارت از مسائلی است که راجع به اصول اداره قوانین اساسی مملکت و پلیتیک دولت باشد.» (فصل دوم ماده‌های ۸۸ و ۱۰۳).

به طور کلی حق «نظرات در اجرای قوانین و رسیدگی و قرارداد در امور خاصة ایالت» از جمله وظایف انجمنها ذکر شده بود (فصل دوم ماده ۸۷). علاوه انجمن می‌توانست به «کلیه شکایاتی که از حکام ایالات و ولایات می‌رسید رسیدگی کند» (فصل دوم ماده ۸۹).

با توجه به اینکه تقسیم مناطق مختلف کشور به ایالات و ولایات از پیش با ابهاماتی توأم بود، علی‌رغم کوششی که در تعریف ایالت و ولایت در قانون مزبور به کار رفته بود تفسیرهای متفاوتی از متن آن به عمل می‌آمد. از جمله منازعه شدیدی بر سر ایالت بودن یا ولایت بودن گیلان میان دو جناح میانه‌رو و تندره مشروطه‌خواهان درگرفت. اکثریت میانه‌رو انجمن رشت موافق ولایت محسوب داشتن گیلان بودند. در چنین صورتی عملاً انجمنهای شهرهای کوچک برچیده شده بود و یا اینکه رسمیت خود را از دست می‌دادند.

در مقابل آنها جناح تندره‌ان مشروطه‌خواه که در انجمنهای شهرهای کوچک و نیز در انجمنهای سیاسی (بویژه در اتحادیه انجمنهای عباسی) فعالیت داشتند، خواهان ایالت محسوب داشتن گیلان بودند. علتِ مخالفت اکثریت محافظه‌کار انجمن رشت با انجمنهای شهرهای کوچک و روستاهای ظاهراً هراس از جنبش دهقانی بود.*

* نوشهای که تحت عنوان «مکتوبات رشت» در ش ۱۴۶ مورخ ۱۲۱ آکتبر ۱۹۰۷ روزنامه حبل‌المتین به چاپ رسیده گویای این واقعیت است که ادامه پاورقی در صفحه بعد

پس از طرح مسأله در مجلس شورای ملی دو نفر (معاضدالسلطنه پیرنیا و محمد صفوی خان) به عنوان نماینده مخصوص از طرف مجلس مأمور رسیدگی به مسأله شده و پس از بررسی، رأی به ولایت بودن گیلان دادند و این مسأله خود موجب بروز یک سلسله اعتراضات گردید.*

اعطای حق نظارت به انجمنهای ایالتی و ولایتی عملًا امکان نوعی کنترل بر حکام و مأموران دولتی را میسر می‌ساخت. مضاف بر اینکه مقررات محدودکننده مندرج در قانون انجمنها را، در شرایط عینی موجود و در فضای انقلابی جامعه، در بسیاری موارد، عملًا انجمنهای مزبور نادیده می‌انگاشتند. پس از تصویب و اعلان قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی عملًا انجمنهای دهات و برخی انجمنهای شهرهای کوچک منحل گردید و یا اینکه به حالت انفعال درآمد. مجلس شورای ملی در ماه شعبان ۱۳۲۵ (مطابق با سپتامبر ۱۹۰۷) طی تلگرامی به حکام ولایات اعلان نمود که «مجلس غیر از انجمن ایالتی یا ولایتی و بلدی، سایر انجمنها را نمی‌شناسد و رسمیت ندارند اگر مطلبی است که آنها باید توسط حکومت یا انجمنهای ولایتی به مجلس مقدس رجوع نمایند آنهم اگر یأس از ادارات مرجوعه حاصل نمودند و غیر از انجمن ولایتی سایرین به هیچ وجه حق دخالت در امور انتظامی و حکومتی راندارند.» (حبلالمتین ش

(۱۹۰۷، ۱۳۲۳)

انجمنهای ایالتی و ولایتی در دوره عمر نسبتاً کوتاه خود تقریباً همه‌جا به مرتع تظلّم

ادامه پاورقی از صفحه قبل

وکلای انجمن ملی رشت خود در زمرة مالکان اراضی بوده‌اند:

.. میانه ارباب و رعیت قرارداد صحیحی داده‌اند که از آن قرارداد هیچکس تخطی و تجاوز نداشته باشند. من جمله قراردادها که به خود وکلای انجمن ضرر کلی و فاحش داشت و قانون کردن این است که پنج قوتی برفع در بیست و پنج من شاه از رعیت مال‌الاجاره، بگیرند حال آنکه سابق همین پنج قوتی را از ۲۶ من شاه الی ۳۲ من شاه را از رعایا می‌گرفتند و رعایا را به اجاره در سر ملک خود نگاه می‌داشتند... امیدوارم تا آخر همان طور اقدامات مجدانه و بذل توجهی بفرمایند بلکه اهالی از شر انجمنهای دهات خلاص بشوند که هر ده برای خودش انجمن درست کرده هیچ‌کس را قبول نمی‌کرددند و رشته دادوستد و زراعت تمام گسیخته می‌شد.

*. منازعه بر سر ایالات یا ولایت بودن گیلان به مجلس کشیده شد و پس از دو جلسه بحث و اظهارنظر سرانجام مجلس با اکثریتی قاطع (۷۲ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع) رأی به ولایت بودن گیلان داد. بدین ترتیب انجمنهای شهرهای دیگر گیلان زمینه قانونی موجودیت خود را از دست دادند، و می‌بایست برچیده شوند. این امر اعتراضاتی فراوانی را در گیلان و نیز مازندران موجب گردید و موضوع مجددآ در جلسه مورخه دهم شعبان ۱۳۲۵ مجلس به بحث گذاشته شد و یا اکثریت آرا تصویب شد که تنها آذربایجان، فارس، کرمان و خراسان ایالت و ماقی ولایت محسوب شوند.

شریف‌العلماء لنگرودی طی مقاله‌ای که تحت عنوان «مکتوب با امضاء از شمیران» که به صورت سرمقاله روزنامه حبلالمتین به چاپ رسید برخی از ایرادهای اصولی به مصوبه مجلس شورای ملی را بیان کرده است (حبلالمتین، ش ۱۱۱، ۱۹۰۷) و خیرالکلام ش ۵، ۱۳۲۵ هـ - ق. در مورد اعتراضها، ن، ک ب: حبلالمتین ش ۹۴ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۱۱۳ و خیرالکلام ش ۵، ۱۳۲۵ هـ - ق.

اهالی تبدیل شده و با عوامل استبداد و قدرتمندان و گردنکشان محلی در حال معارضه بودند. در حالی که در پاره‌ای موارد (انجمن ایالتی آذربایجان) به طور عملی قدرت اجرایی را به دست گرفته بودند در موارد بیشتری در قدرت حاکمه شریک شده و مأموران دولت بدون جلب رضایت و موافقت آنها قادر به انجام کار مؤثری نبودند.

در جریان رویاروییهایی که با شاه و دریار و سایر هواداران نظام استبدادی پیش می‌آمد، انجمنهای رسمی معمولاً در مقایسه با مجلس شورا موضع انقلابیتری اتخاذ می‌نمودند، هرچند که در مواردی این موضع‌گیری بیشتر جنبهٔ مجازی و نمایشی داشت (کسری، همان، صص ۲۶۵ - ۲۶۶).

با این همه هیچ‌گاه انجمنهای مزبور اعتبار و مرجعیت مجلس را نادیده نگرفتند. از حیث اعتبار سیاسی و قدرت عملی و خصلت دموکراتیک، تفاوت‌های آشکاری در میان انجمنهای رسمی نقاط مختلف کشور به چشم می‌خورد. در میان انجمنهای ایالتی و ولایتی، انجمن تبریز (انجمن ایالتی آذربایجان) دارای جایگاه ویژه‌ای است.

در برخی از مناطق جنوبی کشور انجمنها نتوانستند از تأثیر و نفوذ گروههای قدرت بر کنار بمانند. اوضاع و احوال مشخص اجتماعی و حضور قدرتمند ایلات و عشایر مسلح و نفوذ بزرگ مالکان و دیگران عملاً جنبش توده مردم شهری را با موانعی آشکار رویرو می‌کرد.

منازعات سنتی رقبای صاحب نفوذ، انجمنهای رسمی را به ابزاری در دست گروههای قدرت و یا به عبارت صحیح‌تر به حیطه‌ای برای ادامه منازعات دیرین آنها تبدیل می‌کرد.*

انجمنهای رسمی، اعم از ایالتی و ولایتی و بلدی، بسته به میزان قدرت عملی، اعتبار و مقبولیت در محل و حمایت اجتماعی، در امور سیاسی و اجتماعی به مداخله می‌پرداختند. هرچند در مورد وسعت و دامنهٔ مداخلات انجمنها در امور کشور، در تمامی موارد اطلاعات دقیقی در دست نیست، با این همه پاره‌ای شواهد موجود در مورد فعالیتهای برخی از آنها تصویر گویایی در این زمینه به دست می‌دهد. در شهر تبریز ادارات دولتی، پست و تلگراف و اسلحه‌خانه عملاً در اختیار انجمن قرار داشت. رئیس پلیس و بیگلریگی با نظر انجمن انتخاب شده بودند. انجمن تبریز با مداخله مستقیم در امر تأمین نان اهالی، که به علت رواج احتکار غلات از جمله مسائل حاد مردم شهری به شمار می‌رفت، نقش فعال داشت. قرار انجمن در لغو عوارض جانبی گرفته شده از دهستان (هرچند تحت فشار وضعیت انفجاری پدید آمده در

* دربارهٔ نفوذ قوام‌الملک شیرازی و سایر متنفذین در انجمنهای فارس، ن، ک: ابوالحسن بزرگ امید ۱۳۳۶، صص ۱۷۰-۱۷۱؛ دربارهٔ نفوذ روحانیون در انجمن ولایتی اصفهان و نیز انجمن ایالتی خراسان. ن. ک به: A.K.S. Lampson. 1969.

روستاهای آذربایجان صورت پذیرفت) در نوع خود اقدامی جسورانه محسوب می‌شود. تلگرام انجمن تبریز در پذیرفتن فرمانفرما، که به سمت حاکم آذربایجان تعیین شده بود، عزل میرزا آقا اصفهانی نمایندهٔ فرصت طلب تبریز از وکالت مجلس شورای ملی، ارسال تلگرام در مورد خلع محمدعلی شاه از سلطنت به جرم نقض سوگند به قرآن مجید به تمام ایران در جریان کودتای توپخانه و تلگرام تهدید نظامیان آذربایجانی مقیم تهران به منظور ممانعت از اقدام آنها در سرکوب مجلس و مشروطه، نشانه‌هایی از دخالت آشکار این انجمن در امور اجرایی منطقه‌ای و ملی (کشوری) است.

اقدامات انجمن ولایتی گیلان در مورد مسئله آب و آبیاری و تصویب کاهش بهره و عوارض مالکانه و جلوگیری همین انجمن و نیز انجمن ولایتی بار فروش (بابل) از حمل برنج و شالی به روسیه، به منظور حمایت از مردم بومی، نمونه‌هایی از مداخلاتی است که اشاره شد. مداخله در امور اجرایی منحصر به انجمنهای بزرگ نبود. در شهر کوچک انزلی «انجمن ملی» دست به اقدامات بحث‌انگیزی زد و به صورتی فعال به مداخله در امور اجرایی پرداخت.* انجمن مزبور ظاهراً در شرایط غلبهٔ مشروطه خواهان تندر و در این شهر کوچک عرصه را بر مخالفان تنگ کرده بود. خبرنگار روزنامه حبل‌المتین در این باره می‌نویسد:

«... بلی مخالف در همه جا هست ولی در انزلی هر کس مخالف باشد فرصت نمی‌دهند و بیرون می‌کنند خواه مکلاً باشد خواه معتم خواه سیدقریشی باشد خواه غلام حبشه فرق نمی‌کند» (حبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۸۲).

به طور کلی حیطهٔ مداخلات انجمنها عرصهٔ وسیعی را شامل می‌شد. حداقل در دو مورد (تبریز و ارومیه) انجمن روزنامه را تعطیل می‌کند. در شهر تبریز حتی مدیر روزنامه تحت بازپرسی قرار گرفت و حکم به شلاق زدن وی داده شد.

نکتهٔ حائز اهمیت از نظر جامعه‌شناسی حساسیتی است که انجمنهای رسمی در زمینهٔ مسائل مربوط به زندگی شهری، اعم از تخلفات واقعی و یا فرضی و نیز رسوم رایج، از خود نشان می‌دادند. در شهر تبریز تمامی میخانه‌ها تعطیل و از اجرای موسیقی جلوگیری شد و مجریان آن ناچار شدند حرفه‌های دیگری را در پیش گیرند. به عنوان «نشانه و اثر شهر اسلام» کلیه بازارها روزهای جمعه تعطیل و کسبه به استثنای بقال و قصاب و نانوا مجاز به فعالیت نبودند. بعلاوه انجمن آتش‌بازی سنتی را در این شهر ممنوع ساخت (حبل‌المتین ش ۱۷،

* در مورد اقدامات انجمن انزلی ن. ک. به: روزنامه حبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۸۳؛ روزنامه حبل‌المتین ش ۲۵ و ۲۰ و ۱۶، ۱۹۰۷.

(۱۹۰۷).

اقدام انجمن بلدی مشهد^{*} در تعطیل کردن قهوهخانه‌ها، اخذ تعهد از یهودیان اصفهان که به مسلمانان مشروبات الکلی نفروشند و انجام دادوستد کالاهای حرام تنها در فاصله ۸ میلی شهر نمونه دیگری در این زمینه است (المبتوون ۱۹۶۹، ص ۵۲).

با این احوال و علی‌رغم همه کاستیها انجمنهای رسمی با جلب مشارکت گروههایی از مردم، گامی عملی در جهت محدود نمودن استبداد سیاسی برداشتند و از این حیث می‌توان عملکرد آنها را مثبت ارزیابی کرد.

در جریان رویاروییهایی که میان انجمنهای رسمی و دشمنان حکومت مشروطه پیش می‌آمد، مردم ایران (به ویژه اقشار متوسط شهری) نخستین تجربه‌های سیاسی خود را کسب نمودند. آنها برای نخستین بار نسبت به قدرت و توانایی خود و نقشی که می‌توانند در سرنوشت خویش و جامعه ایفا نمایند، وقوف یافتند. انجمنهای ایالتی و ولایتی در یک دوره پرآشوب، که قدرتمدان و گردانکشان محلی به تحریک و یا با تأیید شاه و دربار امنیت منطقه (شهر و روستا) را دستخوش تزلزل نموده بودند، گامهای مؤثری در جهت برقراری امنیت برداشتند.

برخی انجمنهای رسمی (تبریز، اصفهان، رشت و یزد) دارای روزنامه مخصوص خود بودند که تنها روزنامه انجمن تبریز و روزنامه انجمن اصفهان به مدت طولانی و به طور منظم انتشار یافته‌اند. روزنامه‌های مزبور که در حکم ارگان رسمی انجمن به شمار مسی رفته حاوی مطالب بسیار جالبی می‌باشند. علاوه بر ثبت وقایع و حوادث، مقالات و مطالب مندرج در آنها تصویری از شرایط زمانه و شیوه تفکر و عمل و خواستها و آرزوها و وجه نظرهای محافل مشروطه‌خواه و گروههای اجتماعی (به ویژه لایه‌های فرهنگی) زمانه به دست می‌دهد. اندیشه‌آبادی و پیشرفت کشور و توسعه صنعت و تجارت در جراید مذکور و نیز سایر مکتوبات عصر موردنظر، انعکاس یافته است.

انجمنهای رسمی با وجود شرایط انقلابی و استثنایی حاکم از حمایت و تشویق صنعت و تجارت غافل نبوده‌اند (افشار ۱۳۷۸، ص ۲۵۲).

معاصران از انجمنهای ایالتی و ولایتی و چگونگی و کیفیت تشکیل و نیز عملکرد آنها به شیوه‌ها و دیدگاههای گوناگون انتقاد کرده‌اند. مجدد‌الاسلام کرمانی تشکیل انجمنهای ایالتی و

ولایتی و تأیید آنها را از ناحیه مجلس و تصویب قانون مربوط به آن را منفی ارزیابی کرده است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۳۶-۳۵).

احتشامالسلطنه رئیس مجلس شورای ملی که با فشار انجمنهای سیاسی تندر و برخی رهبران روحانی مجبور به استعفا از سمت خود شد در خاطرات خود، با اشاره به موضوع انجمنهای ایالتی و ولایتی، می‌نویسد:

«حدود اختیارات هیچکس از ولات و حکام تا مأمورین جزء انجمنهایی که به نام ایالتی و ولایتی تشکیل شده نامعلوم است، در بسیاری از ایالات و حتی ولایات انجمنهایی به نام «انجمنهای ایالتی، یا ولایتی» دایر شده و کسانی که زودتر جنبیده‌اند اداره و مدیریت انجمن را به دست گرفته‌اند.

تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی که می‌توانست مایه قوام و دوام رژیم مشروطه بشود و با انجام تکالیف قانونی خود نقص مشهود مشروطیت را که سرانجام موجب سرخوردگی مردم از مجلس شد رفع کند به کارهایی پرداخت که نه تنها خارج از تکالیف قانونی او بود بلکه بالفعل در تخریب آن اساس مقدس و ملی عاملی اصلی و مؤثر بود... انجمنهای ایالتی و ولایتی قوز بالاقوز شده و در بعضی نقاط وظایف قانونی مجلس را به عهده گرفته بودند و اعتنایی به مجلس نداشتند و از جمله در تبریز انجمن ایالتی را مجلس شورای آذربایجان می‌دانستند...

انجمن ایالتی تبریز خود را مرجع انشاء قانون دانسته و مشکلات متعدد و روزمره درست می‌کردند» (موسوی ۱۳۶۷، صص ۵۹۴-۵۹۳).

مستشار الدوله نماینده تبریز در مجلس شورای ملی درنامه مورخ ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ خطاب به ثقةالاسلام، نظر منفی خود را نسبت به برخی تمایلات تجزیه طلبانه در تبریز به صراحة بیان کرده است (فتحی ۱۳۵۲، ص ۱۸۷).

میرزا آقا فرشی نماینده دیگر تبریز طی نامه مورخ دوم ربیع الاول ۱۳۲۶ خطاب به ثقةالاسلام به عملکرد انجمن تبریز ایرادهایی می‌گیرد که محتوای آن برخی تمایلات موجود در انجمن ایالتی آذربایجان را برملا می‌کند (همان، ص ۳۰۸).

انجمنهای غیررسمی

به موازات تأسیس انجمنهای رسمی، شمار فراوانی از انجمنهای غیررسمی با انجمنهای آزاد در تهران و سایر شهرهای ایران تشکیل شد. تاریخ دقیق تشکیل نخستین انجمنهای آزاد در

تهران و شهرستانها مشخص نیست. ظاهراً نخستین انجمنی که در تهران تشکیل شد انجمن طلاب بود (سالور - افشار ۱۳۷۷، ص ۱۸۲۸).

از انجمن مزبور نوشهای تحت عنوان «استمداد از عموم علماء ایران» در دست است که در پایان ماه شوال سال ۱۳۲۴ هـ-ق انتشار یافته است. بدین ترتیب می‌توان مبدأً تشکیل انجمنهای آزاد را در تهران حداکثر چهارماه پس از اعلان مشروطیت مفروض داشت* (نظم‌الاسلام ۱۳۶۱، ج ۲، صص ۱۷ - ۱۴).

در همین زمان محافل سری مشروطه‌خواهان نیز ضرورت آغاز فعالیت علنی را دریافته بودند. در یکی از محافل مزبور دربارهٔ تشکیل انجمنهای علنی مکرراً به بحث می‌پرداختند و تصمیماتی نیز گرفته می‌شد (همان، صص ۹۶ و ۸۰ و ۹۹).

جريان تأسیس انجمنهای آزاد در شهرها به صورت روندی توقفناپذیر درآمد و در تمامی دورهٔ دو ساله مشروطه اول (تا کودتای تابستان ۱۹۰۸ محمد علی‌شاه) تداوم یافت.

در منابع موجود دربارهٔ شمار انجمنهای تهران ارقام متفاوتی ذکر گردیده است و بالاترین رقم عدد دویست می‌باشد. فراوانی تعداد انجمنها منحصر به شهر تهران نبود. در شهر تبریز در هر محله انجمنی دایر گردید (امیر خیزی ۱۳۵۶، ص ۳۱).

مطابق شواهد موجود در اصفهان ۴۰، در کاشان ۱۴، در رشت ۱۳، در کرمانشاه ۱۰، در قم ۱۰، در بارفروش (بابل) ۷، در مشهد ۸ و در قزوین ۵ انجمن آزاد وجود داشت.

در مورد شهرهای یزد و عراق (اراک) به تشکیل چند انجمن اشاره شده است.* شمار بالای انجمنها ناظران و نیز مورخان را به تأمل واداشته است.

نویسندهٔ روزنامه روح القدس هدف از تشکیل انجمنها را دفاع از آزادی و مشروطه‌خوانده

*. همین مؤلف ذیل بادداشت روز ۲۷ شوال ۱۳۲۵ می‌نویسد:

«بعضی انجمنهای سری و علنی در تهران تشکیل شده و خوب هم کار می‌کنند.»، ن. ک به: نظم‌الاسلام کرمانی ج ۲، ۱۳۶۱، ص ۲۰

*. به عبارت دیگر ارقام ذکر شده شامل آن تعداد از انجمنها است که نام آن در منابع آمده است.

در مورد شمار انجمنها در اصفهان: مجلس ش ۴۸، ۱۹۰۸.

کاشان: تمدن، ش ۸۰، ۱۹۰۸.

تبریز: ذکاء، ۱۳۷۷، ص ۲۲۳.

در رشت: راینو، ۱۳۶۱، ص ۷۴-۷۳.

قم: جبل‌المتین، ش ۳۵ و ۳۳ و ۳۱، ۱۹۰۸.

کرمانشاه: جبل‌المتین، ش ۱۹۰۷، ۱۹۰۷.

قزوین: گلریز، ۱۳۶۸، ص ۹۰۴.

مشهد: حبل‌المتین، ش ۱۷۸، ۱۹۰۷.

است (روح القدس ش ۱، ۱۳۲۵ هـ-ق).

ظاهراً تشکیل انجمنها در این زمان به صورت رسم زمانه (مُد) درآمده بود. مجdalaslam کرمانی در این زمینه تعبیر جالبی دارد و خاطرنشان می‌سازد که «طبیعت مردم ایران همیشه مایل به تقليد بوده» است و از اين رو است که «در خود تهران هم تمام طبقات انجمن داير کردند، حتى فراش‌ها و مطرب‌ها» (مجdalaslam کرمانی، همان، ص ۴۳).

احمد کسری نیز از دیدگاه يك مورخ، شمار فراوان انجمنهای غیررسمی را منفی ارزیابی می‌کند و تعبیر مشابهی به دست می‌دهد (کسری ۱۳۴۰، صص ۲۶۵ و ۵۶۹ و ۵۷۰).

برخی دیگر از نویسنده‌گان و متصدّیان اغراض شخصی و گروهی و دستیابی به اهداف سودجویانه را انگیزه تشکیل انجمنها قلمداد نموده‌اند* (تفضیلی ۱۳۶۲، ص ۲۳۹).

در توضیح علت فراوانی انجمنهای آزاد در شهر تهران از جمله شاید بتوان به شرایط مساعد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این شهر (در مقایسه با سایر شهرهای ایران) اشاره کرد. تهران پایتخت و مرکز ثقل سیاست کشور و محل تشکیل پارلمان بود و بعلاوه وجود لایه‌های فرهنگی اقسام متوسط و بالاتر بودن نسبی سطح آگاهی سیاسی نیز در جریان پیدایش انجمنها و شمار بالای آن مؤثر واقع شده‌اند.

در واقع فعال‌ترین و کارآمدترین انجمنهای آزاد در شهر تهران انجمنهایی بود که اغلب لایحه‌ها و عریضه‌های تقدیم شده به مجلس را امضاء می‌کردند و در تحصن‌ها شرکت داشتند. شمار این دسته از انجمنها از رقم پنجاه تجاوز نمی‌کرد (فتحی، همان، ص ۲۴).

در حالی که برخی از انجمنها مانند انجمن فرهنگ، انجمن اتحادیه آذربایجان، انجمن الهی و... به ابتکار فردی تشکیل شد، در تأسیس شمار دیگری از انجمنها ظاهراً تصمیم و اقدام گروهی مؤثر واقع گردید. مانند انجمن مظفری که نوکران سابق مظفرالدین شاه آن را تشکیل دادند و یا انجمن حقیقت تبریز که نام مؤسسان آن در کتاب امیر خیزی آمده است (امیر خیزی، همان، ص ۳۱).

شماری از انجمنها دارای «نظامنامه» بودند و ظاهراً وجود آن برای انجمن ضروری شمرده می‌شد (سالور - افشار، همان، ص ۲۰۳۳).

در انجمنهای بزرگتر چنانچه نظامنامه نداشتند، پس از اینکه شروع به فعالیت کردند ضرورت تدوین آن مطرح گردید. در انجمن اتحادیه آذربایجان دوازده نفر برای تهیه نظامنامه

*. همچنین ن.ک: مسعود سالور - ایرج افشار، ۱۳۷۷، ص ۱۸۲۸.

انتخاب شدند و پس از تدوین آن ناظم انجمن طی اعلان رسمی در روزنامه اعضا را برای شرکت در جلسه‌ای، به منظور قرائت نظامنامه و تصویب آن، فراخواند (جبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۱۷۶). رئیس انجمن در پاره‌ای موارد همان فرد مؤسس بود که مدیر یا ناظم نامیده می‌شد و در موارد دیگری مانند انجمن اتحادیه آذربایجان رئیس انجمن با آرای اعضا انتخاب می‌شد (جبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۱۳۱).

در بسیاری از انجمنها به ویژه انجمنهای بزرگ تهران اعضا دارای برگه عضویت (باصطلاح کارت عضویت) بودند که بلیت نامیده می‌شد.

برخی از انجمنهای بزرگ با چاپ اعلان در جراید آمادگی خود را برای پذیرش اعضای جدید اعلام می‌داشتند.*

اطلاعات پراکنده‌ای که درباره تعداد اعضای انجمنها وجود دارد، عمدتاً مربوط به انجمنهای تهران است. به نوشته روزنامه تمدن انجمن محمدیه تهران دارای چهار هزار نفر عضو بود (تمدن ش ۳۰، ۱۳۲۵).

ملک‌زاده تعداد اعضای انجمن برادران دروازه قزوین را چندهزار نفر ذکر کرده است (ملک‌زاده ۱۳۲۵، ص ۲۴۷).

در گزارش دیپلماتیک بریتانیا تعداد اعضای انجمن اتحادیه آذربایجان که ظاهراً بزرگترین انجمن تهران بوده ۲۹۶۲ نفر ذکر شده است (لمبتون، همان، ص ۴۷). گزارش دیگری حاکی است که انجمن مجاهدین قزوین، قبل از فروپاشی، بالغ بر ۵ هزار نفر عضو داشت (روح القدس ش ۹، ۱۳۲۵).

امیراعظم حاکم گیلان که از فعالیت انجمن ابوالفضلی (عباسی) جلوگیری به عمل آورده و سران و فعالان آن را سرکوب کرده در مکتوبی که برای روزنامه جبل‌المتین ارسال داشته اعضاي انجمن مذبور را ۱۵ هزار نفر ذکر کرده است (جبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۱۱۷). همین روزنامه در شماره دیگری از وجود انجمنهایی با هزار و دو هزار عضو در تهران خبر می‌دهد (جبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۱۱۷). البته با توجه به اغراق‌گویی که در کشور ما رایج است باید ارقام مذبور را به دیده تردید بنگریم. با این حال شماری از انجمنهای بزرگ موفق شده بودند چند صد نفر را در صفوف خود متشکل نمایند. میرزا آقا فرشی نماینده تبریز در مجلس اول در نامه خصوصی به ثقة‌الاسلام، ضمن گزارش اوضاع سیاسی تهران، خاطرنشان می‌سازد که ۴۸ انجمن وابسته به

یکدیگر در تهران هر زمان قادر هستند ۴۰۰۰ هزار نفر را به گرد هم آوردن (فتحی، همان، ص ۲۴۰).

پاره‌ای از انجمنها نیز چیزی بیش از یک محفل کوچک نبودند (سالور - افشار، همان، صص ۱۹۳۸-۱۹۳۷).

در تهران شماری از مشروطه‌خواهان در انجمنهای متعددی عضویت داشتند. میرزا عبدالله کاوه از فعالان جامع آدمیت در مکتوبی که تحت عنوان «اخطرار» در روزنامه حبل‌المتین (ش ۱۶۸، ۱۹۰۷) به چاپ رسیده آشکارا اعلام داشته که در ۲۵ انجمن قسم خورده است.

انجمنهای فعال و بزرگ تهران بزودی از روی ضرورت و به منظور همکاری و ایجاد هماهنگی و ارتباط بین یکدیگر ارگان مشترکی تحت عنوان انجمن مرکزی پدید آوردند (مجد‌الاسلام کرمانی، همان، صص ۴۸ - ۴۷).

فعالیت در انجمنها شکل جدیدی از همکاری دست‌جمعی را مطرح کرد و جنبش مشروطیت ایران‌گروهها و لایه‌های اجتماعی متنوعی را به عرصه مشارکت سیاسی و اجتماعی کشانید. منازعه مداوم و فزاینده با شاه و دربار و هواداران رژیم کهن لزوم نزدیکی و همکاری میان مشروطه‌خواهان را هرچه بیشتر آشکار ساخت و موجبات فشرده‌تر شدن صفواف آنها را فراهم آورد. تشکیل انجمن رابطه که نقش ارگان مشترک و هماهنگ‌کننده میان انجمنها را داشت از همین مقوله ناشی شده است. اکنون در مسیر قطبی شدن جامعه شهری ایران، از نظر سیاسی، تعلقات طبقاتی، قومی و فرهنگی تحت الشعاع هدف و آرمان بزرگتر قرار گرفته بود. عین السلطنه در شرح مشاهدات خود در مسجد سپهسالار که مرکز تجمع مشروطه‌خواهان در جریان ماجراهای کودتای نیمه کاره توپخانه بود، می‌نویسد: «... در مسجد سپهسالار جماعتی از سید، آخوند، فکلی و غیره نشسته بودند» (سالور - افشار، همان، ص ۱۸۴۹).

او صحنه دیگری از اجتماع مشروطه‌خواهان را چنین توصیف می‌کند: «دویست نفر فکلی، عمامه‌ای، کاسب، کلاهی تفنگ به دوش صف‌کشیده مشق نظام می‌کردند» (همان، ص ۱۸۸۰). وی در جای دیگر از حضور کلاه نمدی، کلاه پوستی و کلاه نظامی تفنگ به دست در کنار یکدیگر سخن می‌گوید (همان، ص ۲۰۴۱).

در گزارش روزنامه صبح صادق (ش ۱۳۲۶، ۴۷) انجمن یافت‌آباد، از برابری میان اعضا (مستخدمین، شاهزادگان، کسبه) سخن رفته است. وضعیت به گونه‌ای بود که حتی در انجمن سردارها نیز قرار گذاشته شد که «بعد از این مناصب بزرگ را به مردمان کوچک» ندهند و «حقوق سرباز را صاحب منصبان و لشکرنویسان نتوانند بخورند» (ندای وطن ش ۲۹، ۱۹۰۷).

انجمنها از شیوه‌های متنوعی برای تبلیغ و اشاعه نظریه‌ها و نیل به اهداف‌شان سود می‌جستند. اهم شیوه‌های مزبور عبارت بود از تشکیل گردهمایی، برگزاری جلسات سخنرانی و کنفرانس، روضه‌خوانی، تحصن دست‌جمعی در مجلس شورای ملی و یا مسجد و مدرسه سپهسالار که در مجاورت آن قرار داشت، و نیز تشکیل مجالس جشن به مناسبت‌های مختلف.*

انجمنها در دوره نسبتاً کوتاه حیات خود دست به فعالیتها‌یی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متنوع زدند. از جمله مهمترین آن‌ها عبارت است از تأسیس مدارس و تشکیل کلاس‌های درسی آزاد برای بزرگسالان و سایر گروه‌ها. در این زمان تأسیس مدارس جدید و تلاش برای سوادآموزی وظیفه‌ای ملی و اجتماعی تلقی می‌گردید. در تهران انجمن شاه‌آباد، انجمن اتفاق، انجمن خیریه بهارستان، مجمع قاجار و مجمع انسانیت هر یک مدرسه‌ای تأسیس نمودند.**

طبق گزارش‌های موجود انجمن آزاد لنگه، انجمن شرافت سبزوار و انجمن حقیقت ساری نیز اقدام به تأسیس مدرسه کردند. روزنامه ندای وطن در مقاله‌ای به انجمنهای تهران پیشنهاد کرد که در محل انجمنها مدرسه دائم نمایند تا فرزندان اعضا در همان مدارس به تحصیل مشغول شوند (ندای وطن ش ۱۰۸، ۱۹۰۷).

علاوه بر این انجمنها با چاپ اعلان در روزنامه‌ها از تشکیل کلاس‌های درس اکابر خبر می‌دادند و هموطنان را به شرکت در آنها فرمای خواندند.* ** انجمن مرکزی معلمین تهران نیز دست به ابتکار جالبی زد و کلاسی برای تربیت معلم ابتدایی دایر کرد (حبل‌المتین، ش ۳۹، ۱۹۰۸).

انجمن محصلین در تهران کنفرانس‌هایی برگزار می‌کرد. در روزنامه حبل‌المتین خبر برگزاری «کنفرانس نوظهر اخلاقی» در انجمن مذکور آمده است. یک کسی که در یکی از کنفرانس‌های انجمن محصلین، که در آن سخنران تاریخ ایران را نقد و بررسی می‌کرد، شرکت جسته، توصیف جالبی از آن به دست داده است (سالور - افشار، همان، ص ۲۰۵۰).

طبق نوشته علی دیوسالار (سردار فاتح) یکی از مشروطه‌خواهان مازندران، انجمن

* در مورد روضه‌خوانی در انجمنها. ک. فرید ۱۳۵۳ ص ۱۴۹۳ ذکاء ۱۳۷۷ ص ۱۲۰۵، ۱۲۰۱ مسعود سالور - ایرج افشار ۱۳۷۷ ص ۱۹۴۹، ۲۰۳۹.

** ن. ک. به: صور اسرافیل ش ۱۸، ۱۳۲۵، ص ۱۳۲۵، ۱۳۲۵، حبل‌المتین ش ۱۹۰۷، ۱۴۸.

*** ن. ک. به: مجلس، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۹۰۸، ۱۹۰۲، ۱۳۷۷ مسعود سالور - ایرج افشار ۱۳۷۷ ص ۱۹۰۲، ۱۳۷۷، ۱۰۹، ۱۰۳.

حقیقت ساری محلی را برای مطالعه روزنامه برای مردم ایجاد کرده بود (دیوسالار، بی‌تا، صص ۲۹-۳۰).

انجمن اتحادیه سعادت در تهران به چاپ کتاب همت گماشت (مجلس ش ۱۴۲، ۱۹۰۷).
بعلاوه شواهدی هرچند مختصر از فعالیتهای اجتماعی انجمنها در دست است:
- اقدام انجمن شاه آباد در زمینه تهیه تسهیلات شهری (بزرگ امید ۱۳۳۶، صص ۱۸۴-۱۸۳).

- اقدام انجمن نظافت در رسیدگی به وضعیت حمامها و جلوگیری از کار افراد زیر ۱۸ سال در آنها (تمدن ش ۴۵، ۱۳۲۵).

انجمنهای غیررسمی برای بیان خواسته‌ها و نظریه‌هاشان لایحه، عرضه و یا دستخط تدوین و به مجلس شورای ملی و بعضًا مراجع دیگر تقدیم می‌کردند. در مطبوعاتِ صدر مشروطه شمار نسبتاً قابل توجهی از این قبیل لوایح به چاپ رسیده است. نوشه‌های مزبور از این رو که دریچه‌ای بر جهان ذهنی فعالان انجمنها و افکار و اندیشه‌های رایج زمانه می‌گشاید، حائز اهمیت است.

انجمنهای غیررسمی در دوره حیات کوتاه خود تقریباً در همه امور مداخله می‌کردند. این امر در جریان دگرگونی عظیم سیاسی و فروپاشی نظام کهن و فقدان هرگونه تجربه سیاسی و اجتماعی فعالیت دستجمعی چندان عجیب نمی‌نماید. مداخلات انجمنها در امور اجرایی کشور مشکلاتی را پدید می‌آورد و به ویژه امنی دولت از این جریان به شدت ناراضی بودند (سالور-افشار، همان، ص ۲۰۰۶).

رئيس مجلس در جلسه علنی اظهار داشت که انجمنها باید «در امورات حکومت مداخله نمایند و هر کاری دارند باید به مجلس رجوع نمایند» (مذاکرات مجلس، همان، ص ۳۶۲).
مجدالاسلام کرمانی، در تاریخ انحطاط مجلس، شرحی از گسترده‌گی حیطة مداخلات انجمنها به دست داده است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۴۲)

ظاهراً وکلا و پارلمان نیز از حیطة مداخلات انجمنها مصنون نمانده بودند. این امر موجبات اعتراض نمایندگان را فراهم می‌آورد. یکی از وکلای مجلس در جلسه علنی صراحةً از تهدید نمایندگان و تحت فشار قراردادن آنها سخن گفت و از رئیس مجلس تقاضا کرد که ترتیبی داده شود تا نمایندگان در اظهار عقاید خود آزاد باشند (مذاکرات مجلس، همان، ص ۲۸۷).
نماینده دیگری از اینکه «انجمن خبازخانه» او را احضار کرده بود، شکایت می‌کرد (همان، ص ۲۶۳).

انجمنها که در سایه مجلس شورای ملی به وجود آمده بودند خود را حامی مجلس می‌دانستند و براین حقیقت واقف بودند که بدون وجود مجلس ادامه حیات و فعالیت آنها متصور نیست. لذا با وجود انتقادهایی که به کار مجلس و برخی از وکلا داشتند، در تمامی بحرانهای سیاسی، از مجلس شورای ملی حمایت می‌کردند. مجلس نیز در مقابله با محمدعلی شاه و مستبدین به حمایت انجمنها نیاز داشت.

چنان‌که ملاحظه شد در مورد انجمنهای رسمی، مجلس با تصویب قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی سعی کرد حدود فعالیت آنها را مشخص نماید ولیکن در مورد انجمنهای غیررسمی بدین مهم توفیق نیافت.

در ۲۰ شوال ۱۳۲۵ (مطابق ۲۷ نوامبر ۱۹۰۷) محمدعلی شاه دستخطی صادر کرد و پس از ذکر آثار منفی مداخلات انجمنها، خواهان جلوگیری از فعالیت آنها، تا تنظیم نظامنامه (قانون) شد. مجلس در پاسخ به شاه با تصریح قانون اساسی برآزادی اجتماعات تاکید کرد و اعلام داشت که قانون انجمنها نیز بزودی تنظیم خواهد شد. با این همه اقدامی عملی در این زمینه صورت نپذیرفت. مخالفت برخی از وکلا با تهیه قانون انجمنها و تأکید برخی دیگر بر نقش مثبت انجمنها در دفاع از آزادی و مشروطیت، در مدون و تصویب شدن قانون انجمنها بی‌تأثیر نبود (مذاکرات مجلس، همان، صص ۴۰۴-۳۹۸).

در ماه شوال ۱۳۲۵ (نوامبر ۱۹۰۷) انجمنهای مجتمع در مدرسه سپهسالار عریضه‌ای مشتمل بر سه تقاضا، که تقریباً نوعی اتمام حجت بود به مجلس تقدیم کردند و خواهان پاسخ مجلس شدند. خواسته‌های آنها عبارت بود از:

۱. اخذ وجوه تعهد شده از شاهزادگان و امرا و اعیان ظرف یک هفته و در صورتی که پرداخت نشود انجام امر به انجمنها محول گردد.
۲. تشکیل اردوهای ملی برای وصول مالیات.
۳. تأمین امنیت شهر تهران و یا محول نمودن آن به انجمنها.

مجلس پس از تشکر از انجمنها و اینکه دولت و مجلس به تقاضای آنها رسیدگی خواهند کرد، عملاً از قبول خواسته‌های مزبور و واگذاری وظایف قوای مقننه و مجریه به آنها خودداری ورزید. احتشام‌السلطنه رئیس مجلس که دارای منشاء اعیانی بود و از اساس با فعالیت انجمنها نظر موافقی نداشت، در یادداشت‌هایی که از او به جا مانده، ضمن قبول این موضوع که ثروت اعیان ایران از غارت و حیف و میل اموال و دارایی‌های عمومی به دست آمده دلایل مخالفت خود را با اعمال فشار به ثروتمندان و تبعات منفی آن - از جمله پناهنه شدن گروه مزبور به

سفراتخانه‌های دول بیگانه - و مخاطراتی که چنین اقداماتی را به دنبال می‌آورد، شرح داده است (موسوی ۱۳۶۷، ص ۶۰۸).

اختلاف میان احتمام‌السلطنه رئیس مجلس که با جدیت سیاست میانه روی را تعقیب می‌کرد با سید عبدالله بهبهانی یکی از دو رهبر روحانی جنبش مشروطه، زمینه را برای مخالفت آشکار انجمنهای تندرو با وی فراهم ساخت. در آغاز بهار سال ۱۹۰۸ پس از واکنشی که رئیس مجلس در قبال توهین یکی از فعالان انجمن برادران دروازه قزوین به یک نماینده مجلس نشان داد و دستور توقيف وی را صادر کرد، انجمنهای تندرو تهران اجتماع کردند و با صدور قطعنامه‌ای خواستار استعفای وی شدند. متن قطعنامه مذبور که به امضای نمایندگان پنجاه و پنج انجمن تهران رسیده بود، آشکارا لحنی تهدید آمیز داشت و در آن از رئیس مجلس خواسته می‌شد که محترمانه استعفا دهد «والا ملت بتکالیف خود عمل خواهد نمود (همان، ص ۶۴۳).

اقدام انجمنها در برکناری رئیس مجلس نقطه اوج مداخلات آنها در حیطه فعالیت قوه مقننه محسوب می‌گردد. در واپسین ماههای قبل از بمباران مجلس یکی از انجمنها با تقدیم لایحه‌ای به مجلس خواستار تشکیل هیأتی ۱۲ نفره از ملت و تشکیل وزارت خانه‌ها به طرز جدید و اعمال «نظرارت تامه» و «مراقبت تامه» بر تمام دوایر دولتی گردید (مذاکرات مجلس، همان، ص ۵۶۲).

پس از انجام سوء قصد به جان محمد علی شاه، که به دست برخی مشروطه‌خواهان تندرو صورت گرفت، پلیس بعضی از افراد را که احتمال می‌داد در این قضیه دخالت دارند، دستگیر کرد. انجمنهای تهران با این استدلال که با بازداشت افراد، اصولی از قانون اساسی نقض گردیده است، به صورت جمعی اعتراض کردند (دولت‌آبادی، بی‌تا صص ۲۲۳ - ۲۲۲).

حیطه مداخلات انجمنها تنها به عرصه سیاست، که مواردی از آن ذکر گردید، محدود نمی‌شد. پاره‌ای از آنها حتی در زمینه مسائل مربوط به حقوق خصوصی افراد نیز مداخله می‌کردند.

ابوالحسن بزرگ امید که در همین دوره به شیراز سفر کرده بود از دخالت گسترده انجمنهای شیراز در امور اداری و قضایی سخن می‌گوید (بزرگ امید، همان، صص ۱۷۱ - ۱۷۰).

موضوع دیگر که درباره انجمنهای آزاد گفتگویی است عبارت است از تشکیل «نظام ملی» یا «گاردناسیونال» که در ماههای پس از اعلان مشروطیت ارتش ایران دستخوش بحرانی مزمن بود، همانند سایر ارگانهای دولتی در معرض فروپاشی قرار گرفت. مخالفت شاه و دربار با نظام مشروطه و تجاوزات زورمندان محلی که گاه با تشویق و یا تأیید آنها صورت می‌پذیرفت،

وضعیتی بحرانی را به وجود آورده بود که از جمله پیامدهای آن وصول نکردن مالیاتها، تضعیف امنیت و ایجاد توقف در امر تجارت و فعالیتهای اقتصادی بود. اکنون ضرورت پدید آوردن نیروی نظامی جدید و وفادار به مشروطه، به عبارت دیگر (چنانکه در سایر انقلابات نیز مشاهده شده) یک ارتش ملی، هرچه بیشتر آشکار می‌گردید. در تبریز که گاهی گروههای مخفی و نیمه مخفی شبه سوسيال دموکراتیک در انجمن مجاهدین فعالیت داشتند، بزودی قضیه تسليح مشروطه خواهان به طور جدی مطرح شد و شهر تبریز عملاً به یک سربازخانه مبدل گشت. در دیگر شهرهای آذربایجان و رشت و پاره‌ای از نقاط گیلان نیز کوشش‌هایی در این زمینه صورت گرفت.*

در تهران نیز انجمنهای تندر و به تلاش‌هایی در این زمینه دست زدند. در شماری از انجمنها اعضا سلاح فراهم می‌کردند و به مشق نظامی می‌پرداختند. نویسنده روزنامه صبح صادق می‌نویسد که یک گروه دویست نفره در انجمن یافت‌آباد تهران سه ماه مشق نظامی کرده‌اند (صبح صادق ش ۴۷، ۱۳۲۶).

علاوه بر این شواهد دیگری نیز از تلاش عملی انجمنها برای مسلح کردن اعضا و انجام تمرینات نظامی در دست است.*

در این بین ابوالسادات ملقب به سرباز ملت، به نمایندگی از طرف انجمن جنوب، در عریضه‌ای به علمای نجف درباره وجوب تشکیل «سرباز ملی» سئوالی مطرح کرد (مذاکرات مجلس، همان، ص ۵۰۴).

ظاهراً با رسیدن پاسخ مثبت، جنبه شرعی تشکیل «سرباز ملی» نیز در نظر گرفته شد. با این احوال این قضیه بطور جدی دنبال نشد. به نظر کسری موافقت نکردن مجلس و دو رهبر برجسته روحانی (سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی) که تشکیل نیروی مسلح مشروطه خواه را مایه اغتشاش می‌شمردند، مانع از پیشرفت کار گردید (کسری، همان، ص ۲۳۷).

بعدها، یعنی هنگام کودتای محمدعلی شاه در ژوئن سال ۱۹۰۸، مشروطه خواهان ناچار شدند بهای گزافی برای رویه‌ای که در پیش گرفته بودند، بپردازنند. با وجودی که هواداران مشروطه و آزادی در تهران جناح نیرومندی به شمار می‌رفتند، قادر به مقابله جدی با نظامیان محمدعلی شاه نبودند.

*. ن. ک. به: حجل المتنین ش ۱۶ و ۱۲، ۱۹۰۷، ۱۰۲؛ انجمن ش ۱۰۲، ۱۳۲۵.

*. ن. ک. به: یغمایی ۱۳۵۷، ص ۲۷۹-۲۸۴؛ هاشم معیط مافی ۱۳۶۳، ص ۲۹۴؛ تمدن ش ۵، ۱۳۲۵.

شماری از انجمنهای آزاد را، در تهران و سایر شهرها، مخالفان تأسیس کرده و خواهان اعاده اوضاع سابق بودند و به صورت آشکار یا نهان به مبارزه با مشروطه خواهان می‌پرداختند، از این رو چه از نظر انگیزه تشکیل و چه از نظر اهداف و عملکرد تفاوتها بی به چشم می‌خورد. تعدادی از این انجمنها مانند انجمن سردارها، انجمن اعیان و انجمن خدمت و انجمن قدس محمودی را رجال و امنای حکومت سابق با و یا بدون تشویق شاه تشکیل دادند. به نظر می‌آید ورای وابستگی بسیاری از اعیان و امنای دولت سابق به دربار و فرصت‌طلبیهای فردی، انگیزه‌گروه مذبور در تشکیل انجمنها، حفظ منافع گروهی و طبقاتی آنها و یا به اصطلاح احتشام‌السلطنه رئیس وقت مجلس شورای ملی «حفظ کلاه» بود (موسوی، همان، ص ۶۱۳).

برخی دیگر از این قبیل انجمنها را مخالفان مشروطه اعم از روحانیون سنت‌گرا و ناراضی و یا سایر گروهها تأسیس کردند. انجمن اسلامیه تبریز، انجمن اسلامی ساری، انجمن آل محمد تهران جایگاه فعالیت روحانیان مخالف مشروطه بود. انجمن فتوت تهران که «مرکب از طبقات اعیان و اشراف و تجار محترم آذربایجان» بود در مخالفت و رقابت با انجمن اتحادیه آذربایجان، که حوزه مهم فعالیت تندروان به شمار می‌رفت، شکل گرفته بود. سرانجام نیز انجمنهایی بودند که پاره‌ای افراد متعصب یا ماجراجو و نیز اشرار با انگیزه‌های شخصی و یا به تحریک محافل معینی تأسیس کرده بودند. مانند انجمن همت‌آباد تهران (که به دستور صریح مجلس تعطیل گردید)، انجمن همت و انجمن رضوی در مشهد، انجمن حمایت و حمیت.... نصرت قم و انجمن سراج. نکته حائز اهمیت اینکه به سبب حاکم بودن جو آزادی خواهی بر شهرهای ایران، هیچ یک از انجمنهای مذبور جرأت مخالفت آشکار با اساس مشروطه را در خود نمی‌دید و بناقص خود را هوادار مشروطه معرفی می‌کردند.

معاصران و بعدها مورخان از فعالیت انجمنهای غیررسمی و به ویژه انجمنهای تهران به شدت انتقاد کردند. منتقدان و مخالفان انجمنها از افراد گوناگون بودند که در میان آنها از هواداران رژیم پیشین، محافظه‌کاران، مشروطه خواهان میانه‌رو و حتی تندروان نیز به چشم می‌خورد. عین السلطنه در یادداشت‌های خود از فعالیت انجمنها تحت عنوان «انجمن بازی» یاد نموده است (سالور - افشار، همان، ص ۱۸۵۵).

او که زمینه را برای تبدیل نظام استبدادی به مشروطه فراهم نمی‌دید دارای نگرشی منفی نسبت به جنبش مشروطه بود و انجمنها را «دکان معتبری» جهت کسب درآمد و نیل به ریاست می‌خواند (همان، ص ۸۲۸).

مجدالاسلام کرمانی شکست مجلس و مشروطه را نتیجه فعالیت نامیمودن انجمنها دانسته

است (مجدالاسلام کرمانی، همان، ص ۴۴). احتشام السلطنه در یادداشت‌های خود از نفوذ افراد سودجو و فرصت طلب در انجمنها سخن می‌گوید (موسوی، همان، ص ۵۹۳).

شرف الدوله نماینده دوره اول مجلس از تبریز در داوری خود درباره انجمنها قائل به نوعی تفکیک در میان آنها شده است: «آن که انجمنهاست از حدود خود تجاوز کردند و بعضی از آن‌ها برای جلب منافع شخصی، هزاران فساد تولید نمودند و بعضی از آن‌ها نیز انصافاً محض رضای الهی در خدمت به وطن زحمت می‌کشند» (ذکاء، ۱۳۷۷، ص ۲۲۹).

با این همه وی مشروطه خواهان تندره را مسؤول شکست مجلس و مشروطیت می‌داند (همان، ص ۲۴۲).

حسین امید نیز باستثنای چند انجمن بقیه را «سیاهی لشکر» می‌داند که با برگزاری «تجمعات احساسات را تحریک و مردم را گرم نگاه می‌داشتند (وحدتیا، ۱۳۶۴، صص ۳۴ - ۳۵). یک روحانی اصولگرای عصر مشروطه تصویری منفی از انجمنها مشروطه خواه به دست داده است (تدین ش ۱۴، ۱۳۲۵).

روزنامه روح القدس، از جرائد تندره صدر مشروطه، در سرمقاله خود تحت عنوان «خطاب به انجمنان یا به جماعت خفتگان» انجمنهای تهران و شیوه عمل آنها را به نحوی عریان نقد کرده و ضعف‌ها و نارساییهای آنها را آشکار ساخته است (روح القدس، ش ۱۶، ۱۳۲۵). ارزیابی احمد کسری نیز از انجمنهای تهران چندان مثبت نیست (کسری، ۱۳۴۰، ص ۵۶۹).

فریدون آدمیت با قایل شدن استنایی کارنامه انجمنهای تهران را یکسره منفی ارزیابی کرده، و به ویژه تندروان را در شکست مشروطه اول مسؤول دانسته است (آدمیت بی‌تا، ص ۱۴۸-۱۳۱).

بی تردید پیروزی نسبتاً سریع جنبش ضد استبدادی، فقدان آگاهی اجتماعی و هرگونه تجربه در زمینه مشارکت سیاسی، شرایط را برای افراطی‌گری در میان ایرانیانی که تا چند ماه قبل فاقد هرگونه حقوق بودند و تنها رعیت بی‌مقدار سلطان محسوب می‌شدند، فراهم می‌کرد. با این همه به نظر می‌رسد در ارزیابی از کارکرد انجمنها تا اندازه زیادی راه اغراق پیموده شده است. جنبش مشروطه‌خواهی و مشخصاً مجلس اول بدون حمایت فعال انجمنها (چه انجمنهای رسمی و چه غیررسمی) و مطبوعات آزاد قادر به رویارویی با شاه و دربار و هواداران رژیم استبدادی نبود و بسیاری از مصوبات مجلس و توشیح آن به ویژه متمم قانون اساسی که

متضمن حقوق و آزادی‌های مدنی بود و تصمیمات کمیسیون مالی، بدون حمایت فعال انجمنها تحقق نمی‌یافتد.

مأخذ

- آدمیت، فریدون (بی‌تا)، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ج ۲، مجلس اول و بحران آزادی، روشنگران.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸)، نامه‌های تبریز (از ثقة‌الاسلام به مشارل‌دوله)، نشر و پژوهش فرزان، چاپ اول، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۴۹)، مقالات تقی‌زاده، جلد اول، تهران.
- امیرخیزی، اسماعیل (۱۳۴۵)، قیام آذربایجان و ستارخان، کتابفروشی تهران.
- بزرگ‌امید، ابوالحسن (۱۳۳۶)، از ماست که برماست (وقایع دوران زندگی مؤلف)، بی‌نا، تهران.
- تفضلی، محمود (۱۳۶۲)، سپهسالار تنکابنی (محمدولی خان خلعتبری) گردآوری امیرعبدالصمد خلعت‌بری، نوین، تهران.
- جمعی از نویسندهان (۱۳۷۸)، نهضت مشروطیت ایران، جلد اول، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی. حیات یحیی، ج ۲، چهر، تهران.
- دیوسالار، علی (بی‌تا)، فتح تهران و اردبیل برق، بخشی از تاریخ مشروطیت ایران، مقدمه و اهتمام نزهت دیوسالار، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۷)، روزنامه خاطرات شرف‌الدوله، فکر روز، تهران.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۶۸)، مشروطه گیلان، به کوشش محمد روشن، چاپ اول، طاعتی، رشت.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۵)، انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت، علمی، تهران.
- سالور، مسعود و ایرج افشار (۱۳۷۷)، یادداشت‌های عین‌السلطنه، ج ۳، اساطیر، تهران.
- علوی، سیدابوالحسن (۱۳۶۳)، رجال عصر مشروطیت (به کوشش حبیب یغمایی و ایرج افشار)، اساطیر، چاپ اول، تهران.
- فتحی، نصرت‌الله (۱۳۵۲)، زندگی نامه شهید نیکنام ثقة‌الاسلام تبریزی و بخشی از تاریخ مشروطیت ایران، انتشارات بنیاد نیکوکاری نورانی.
- فتحی، نصرت‌الله (۱۳۵۲)، مجموعه آثار قلمی شادروان ثقة‌الاسلام شهید تبریزی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

- فرید (قراگزلو)، مسعود (۴۳۵۴)، خاطرات فرید (میرزا محمد علی خان فریدالملک همدانی)، زوار، تهران.
- کسری، احمد (۱۳۴۰)، تاریخ مشروطه ایران، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران.
- گلریز، سید محمد علی (۱۳۶۸)، مینودر یا بابالجنه قزوین، طه جلد دوم، تهران.
- مجdalislam کرمانی، احمد (۱۳۵۱)، تاریخ انحلال مجلس، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مذاکرات مجلس (۱۳۲۵)، دوره اول تقنینه، مجلس، تهران.
- ملکزاده، مهدی (بی‌تا)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ابن‌سینا، جلد دوم، چاپ دوم، تهران.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۲۵)، زندگینامه ملک المتكلمس، علمی، تهران.
- موسوی، سید محمد مهدی (۱۳۶۷)، خاطرات احتشام‌السلطنه، زوار، چاپ دوم، تهران.
- وحیدنیا، سیف‌الله (۱۳۶۴)، خاطرات و اسناد، وحیدنیا، تهران.
- یغمائی، اقبال (۱۳۵۷)، شهید راه آزادی سید‌جمال واعظ اصفهانی، با مقدمه سید محمد علی جمال‌زاده، توس، تهران.

دیگر مأخذ

- انجمن (دوره کامل، جریده ملی، انجمن، انجمن تبریز)
- تدوین (دوره روزنامه)
- تمدن (دوره کامل)
- حبل‌المتین (دوره حبل‌المتین، روزنامه روزانه تهران)
- خیرالکلام (خیرالکلام، افصح المتكلمين - رشت)
- رضوانی، محمد اسماعیل، اعلان‌ها و اعلامیه‌های دوره قاجار، بررسی‌های تاریخی، خرداد و تیر ۱۳۴۰ صص ۲۹۲ - ۲۵۳.
- روح القدس (دوره روح القدس، سلطان‌العلماء، تهران)
- صبح صادق (دوره صبح صادق)
- صور اسرافیل (دوره صور اسرافیل، تهران)
- مجلس (دوره کامل)
- ندای وطن (دوره ندای وطن، مجdalislam کرمانی، تهران)

- Lambton A.K.S. (1969) Persian Political Societies. St. Antony's Papers N.XVI, *Middle Eastern Affairs*, London.